

بوشهر و جنگ جهانی اول

علی سلطانی شایان^۱

چکیده

در جنگ جهانی اول، ایران تبدیل به عرصه‌ای برای کارزار روسیه، عثمانی، انگلیس و حتی آلمان‌ها شد. قبل از این انگلیس و روسیه طی قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به سه منطقه تحت نفوذ تقسیم کرده بودند: روس‌ها در شمال، انگلیسی‌ها در جنوب، و یک منطقه بی طرف در مرکز.

با آغاز جنگ، موقعیت برتر نظامی و تجاری بوشهر باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. بنابراین انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۵م. در زمان حکمرانی موقرالذوله، آنجا را به تصرف خود در آوردند. با وجود تصرف آسان آنجا، مقاومت‌های سرسختانه‌ای توسط عشایر تنگستانی و قشقایی، مثل رئیسعلی دلواری، ناصر دیوان، صولت‌الدوله، شیخ حسن چاه‌کوتاهی و زایرخان اهرمی در مقابله با نیروهای انگلیسی صورت گرفت. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۴ق. / ۱۹۱۶م. در صفحات جنوبی کشور نیرویی به نام تفنگداران پلیس جنوب را در جهت به کارگیری اهداف خود تشکیل داده و آن را جایگزین نیروی ژاندارمری کردند.

از طرف دیگر واسموس، کنسول آلمان در بوشهر به فعالیت علیه نیروهای انگلیسی پرداخت و موفق شد ضرباتی را به قوای انگلیسی وارد سازد. با وجود مقاومت‌های نیروهای محلی و سران عشایر، انگلیسی‌ها تا پایان جنگ جهانی اول در منطقه حضور داشتند.

واژگای کلیدی: بوشهر، جنگ جهانی اول، اوضاع سیاسی، عشایر، واسموس، موقرالذوله

^۱ کارشناس ارشد تاریخ (اسناد و مدارک آرشیوی) دانشگاه تهران A_soltanishayan@yahoo.com

با آغاز جنگ جهانی اول در شوال ۱۳۳۲ ق. / اوت ۱۹۱۴ م. دولت ایران بی طرفی خود را اعلام کرد. ولی قوای طرفین در جنگ به این منطقه یعنی ایران به عنوان یک امتیاز مهم در جهت پیروزی و رسیدن به اهداف خود می‌نگریستند. آنها می‌توانستند با تصرف ایران و در اختیار گرفتن آنجا از آن به عنوان پایگاه عملیات‌های خود استفاده کنند. بنابراین با توجه به قرارداد ۱۹۰۷ م. انگلیس و روسیه مانعی در سر راه تحقق این هدف نمی‌دیدند. روسیه از شمال با استفاده از قوای قزاق و انگلیس در جنوب با یاری صاحب منصبان انگلیسی و هندی می‌توانستند پیشروی کنند. همچنانکه بعدها قرارداد ۱۹۱۵ م. دست دو قدرت روس و انگلیس را در ایران بیشتر باز گذاشت؛ چرا که منطقه بی‌طرف در مرکز ایران از آن انگلیس شد و در عوض دست روسیه نیز در شمال باز گذاشته شد. دولت مرکزی نیز از قدرت کافی برخوردار نبود تا بتواند عکس‌العمل مناسب را نشان دهد و انگلیس می‌توانست با استفاده از این ضعف در عین حال که استقلال ایران را تحت نظر خود تأمین می‌نمود آن را به عنوان حصار و محافظ در مقابل قدرت‌های دیگر مثل فرانسه، روسیه، آلمان و عثمانی قرار دهد.

با پیوستن عثمانی به جنگ به نفع متحدین، انگلیسیها در پی آن بودند تا بتوانند موقعیت خود را در خلیج فارس تحکیم بخشند. موقعیت برتری که بوشهر در خلیج فارس داشت باعث شد تا آنجا را با وجود مقاومت‌های پراکنده مورد توجه خود و در نتیجه پایگاه عملیات‌هایشان در جنوب ایران قرار دهند. آنها می‌توانستند در صورت دستیابی به بوشهر آنجا را به صورت پایگاهی جهت عملیات در بین‌النهرین قرار دهند. همچنانکه نیروهای انگلیسی مستقر در بوشهر مدتی تحت فرماندهی نیروی بین‌النهرین بودند. (مابری، ۱۳۶۹: ۲۱)

عثمانی‌ها که در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۲۸۸ ق. / ۱۹۱۴-۱۸۷۱ م. در بوشهر حضور داشتند، با آغاز جنگ جهانی اول به دلیل قرار گرفتن در جبهه متحدین و اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس در سال ۱۹۱۵ م. / ۱۳۳۴ ق. مجبور شدند که برای همیشه بوشهر را ترک نمایند. (کاکس، ۱۳۷۷: ۷۱)

آلمان‌های مقیم بوشهر نیز در آغاز سال ۱۹۱۵ م. توسط انگلیسیها توقیف شدند و همه آنها حتی کنسول و دیپلماتهای کنسولگری به‌وسیله هندیان تحت نظر گرفته شدند و

آنان را به هندوستان فرستادند و تحت نظر نگاه داشتند. تنها واسموس^۱ کنسول سابق آلمان فرار اختیار کرده و به تنگستان پناه برد. (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۳۶ و وادالا، ۱۳۵۶: ۶۱) او در آنجا موفق شد عشایر دوردست جنوبی را برضد انگلیسی‌ها بشوراند. واسموس جاسوس رسمی بود و وظیفه اصلی نامبرده هم این بوده است که در خلیج فارس مراقبت نماید، قوایی که از سوی انگلیسی‌ها به طرف بصره و بغداد می‌رود، گزارش دهد. ولی زمینه را در ایران و فارس مستعد تشخیص داده و مأموریت گرفته بود که فارس و بنادر را علیه انگلیسی‌ها بشوراند. (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۴) او به سرپرستی هیئتی منصوب شده بود که قرار بود ایرانیان و افغانها را به مبارزه با بریتانیا برانگیزد. (ماهرلی، ۱۳۶۹: ۸۹)

اگر چه فعالیتهای واسموس طی دو سال آغازین جنگ جهانی اول به نتیجه نرسید و دولت ایران رسماً به نفع آلمان وارد جنگ نشد، اما تلاش‌های وی در نواحی جنوب ایران و به ویژه استان بوشهر موجب گردید تا دولت بریتانیا بیشترین توان نظامی خود را صرف مبارزه با دلیران تنگستانی، دشتی و دشتستانی نماید. (مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) تحریکات واسموس علیه بریتانیا باعث شد ناوهای جنگی انگلیسی برای رویارویی با هرگونه خطر احتمالی به جانب بوشهر و دلوار اعزام شوند. برای احضار یک واحد پیاده نظام هندی نیز که عازم بصره بود و برای استقرار احتمالی آن در بوشهر نیز اقداماتی به عمل آمد. هر چند که به خاطر رضایت بخش بودن اوضاع احتیاجی به پیاده کردن نیرو پیدا نشد. (ماهرلی، ۱۳۶۹: ۹۰)

علی‌محمدخان موقرال‌دوله حاکم وقت بوشهر در تلگرافی به تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق/۱۲ مارس ۱۹۱۵م. اوضاع بوشهر را چنین توصیف می‌کند: «الساعة که نیم ساعت به ظهر مانده از مسجد نو بوشهر برگشتم. هیجان عمومی به درجه‌ای است که فوق تصور است. چنین ازدحامی در بوشهر هیچ وقت دست نداده بود و کل علماء و عموم طبقات اهالی حضور داشته، ملخص خطابه علماء این بود که سه سال است بدون اینکه هیچ ضرر مالی و جانی از بنادر به انگلیسی‌ها رسیده باشد در آنجا اخلال کرده و

^۱ wassmuss

عده‌ای قشون نگاه داشته و حالا هم هتک حرمت و نقض بی طرفی دولت را کرده اند... مردم منتظر اقدامات دولت هستند که فقط به همین امید امروز متفرق شدند و هیچ شبهه نیست که باز اجتماع خواهند کرد.» (سپهر، ۱۳۶۲: ۹۶)

مابری در حوادث جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق.م/مه ۱۹۱۵ م. از برنامه یکی از کدخدایان روستاهای مجاور بوشهر علیه نمایندگی بریتانیا می‌نویسد: «حاکم ایرانی بوشهر (موقرالذوله) در پی اطلاع از برنامه یکی از کدخدایان روستاهای مجاور برای بسیج افراد مسلح و یورش بر نمایندگی بریتانیا، قوایی را در معیت چند ژاندارم برای دستگیری کدخدای مزبور اعزام داشت.» ولی با سرپیچی ژاندارمها از حکومت، حاکم بوشهر با حمایت نظامی بریتانیا «بر روستا هجوم آورده و کدخدا را دستگیر و اتباعش را پراکنده ساختند.» (مابری، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

با آغاز جنگ جهانی اول، لیسترمن^۱ به عنوان کنسول آلمان جانشین واسموس در بوشهر شد. (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۱-۱۵۳؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) لیسترمن مأمور ایجاد درگیری بین نیروهای محلی با نیروهای انگلیسی بود، مبارزه علیه انگلیسی‌ها در بوشهر و نواحی اطراف سازماندهی کرد و توانست به خرابکاری در تأسیسات تلگرافخانه بوشهر و توزیع اسلحه بین مخالفان انگلیسی‌ها و طرفداران آلمان‌ها دست بزند. (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۸ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) انگلیسی‌ها لیسترمن و فرد دیگری را به نام اینهوت^۲ (آیزنهوت) را دستگیر کرده و بلافاصله به هند تبعید کردند و همین امر باعث شد تا مردم بوشهر در اجتماع پرشوری به نقض حاکمیت و بی طرفی ایران اعتراض کردند و خواستار اقدامات جدی و فوری دولت شدند. (سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

با وجود اینکه دولت ایران با آغاز جنگ جهانی اول اعلام بی طرفی نمود، ولی انگلیسیها نقض بی طرفی کردند و بوشهر را به عنوان کانون فعالیت‌های خود در ایران قرار دادند. از دست دادن بوشهر به معنای تهدید منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس بود که این امر در نهایت باعث ضعف آنها در برابر نیروهای آلمان می‌شد.

^۱ Listermann

^۲ Eisenhut

حملات رئیس‌علی دلواری در پی اعتراض به بازداشت لیسترمن باعث شد تا دولت بریتانیا با اشغال نظامی بوشهر، کنترل آنجا را در دست بگیرد. آنها با حملات زمینی و دریایی موفق شدند تا بوشهر را اشغال کنند. (همان: ۷۷ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) قوای مهاجم انگلیس روز ۲۶ ماه رمضان سال ۱۳۳۳ ق. / ۸ اوت ۱۹۱۵ م، بوشهر را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند. (سپهر، ۱۳۶۲: ۷۷؛ مابریلی، ۱۳۶۹: ۱۳۸) انگلیسی‌ها قسمتی از نیروهای هندی و انگلیسی را که بنا بود به بین‌النهرین بروند در بوشهر پیاده کردند و عمارت حکومتی و گمرک و سایر ادارات آنجا را اشغال نمودند و بر فراز آنها پرچم انگلیس را برافراشتند. (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۲ و ۱۴۳) در حدود سی و پنج هزار قشون انگلیسی و هندی با مهمات و هواپیما وارد بوشهر گردید، ستاد ارتش انگلیس به فرماندهی ژنرال ادوارد و ژنرال راگلس در بهمنی برقرار شد. (همان: ۱۴۳)^۱

قوای انگلیسی بلافاصله مقرر حاکم بوشهر، ادارات گمرک و ساختمان پست و تلگراف را اشغال نمودند و اشخاص آزادیخواه و وطن‌دوست بوشهری را دستگیر و به شهر «تانه» هندوستان تبعید کردند. (رکن زاده، ۱۳۷۰: ۱۰۰؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۳) در این موقع انگلیسی‌ها تمبرهایی را که روی آن «بوشهر در تصرف بریتانیا» نوشته شده بود منتشر کردند. (هدایت، ۱۳۶۱: ۲۷۰)

نقض بی‌طرفی ایران توسط انگلیس و اشغال بندر بوشهر و ضعف حکومت وقت و احساسات ضد انگلیسی که در ایران وجود داشت، باعث شد تا رئیس‌علی دلواری علیه اشغالگران انگلیسی قیام نماید. انگلیسی‌ها نیز که چند روز بعد از ورود به بوشهر، نسبت به رئیس‌علی خان دلواری به عنوان ارتباط با آلمان‌ها سوءظن پیدا کرده برای دستگیری او دلواری را که بندر کوچکی از تنگستان و در شش فرسخی بوشهر است، اول با کشتی جنگی بمباران کردند و بعد قوایی پیاده نموده، به قلعه دلواری حمله کردند. (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۲) رئیس‌علی دلواری مقاومت در مقابل دشمن و بحرانی ساختن اوضاع و احوال و نامساعد نمودن محیط و شرایط را باعث توقف افراد نیروی دشمن در بوشهر می‌دانست و حریمی برای مبارزه خود نمی‌شناخت و از این لحاظ مرتباً قرارگاههای

^۱ به نقل از: اسماعیل نورزاده بوشهری، مجله خواندنیها، شماره ۸، شنبه ۲۲ مهر ۱۳۲۳ شمسی.

سربازان هندی و انگلیسی را در حومه بوشهر مورد تعرض و حملات شبانه قرار می‌داد. انگلیسی‌ها در اثر رشادت و پایداری رئیس‌علی و تفنگچیان او، مجبور به عقب نشینی شدند. مقارن همین اوقات بود که سر و کله «واسموس» یکی از مأموران برجسته آلمان در تنگستان پیدا شد. او با شنیدن مقاومت‌های رئیس‌علی دلواری دست به کار شد و زایر خضر خان اهرمی را به یاری رئیس‌علی برانگیخت. (سپهر، ۱۳۶۲: ۷۸)

با وجود موفقیت‌هایی که رئیس‌علی در مبارزه با نیروهای انگلیسی به دست آورده بود، ناگهان مورد هجوم یکی از همراهان خود قرار گرفت و به شهادت رسید. نیروهای تنگستانی هم که عملیاتی را برای مبارزه با نیروهای انگلیسی تدارک دیدند، متحمل شکست شدند. ادامه درگیریها در بوشهر و شیراز باعث شد که انگلیسیها از ادامه اشغال بوشهر صرف نظر کنند. پرچم انگلیس از دارالحکومه بوشهر (عمارت امیریه) پایین آورده شد (همان: ۲۱۶، مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) و پرچم ایران جای آن را گرفت و یک حاکم دست نشانده ایرانی و طرفدار انگلیس نیز به حکومت بنادر، گماشته شد (یا حسینی، ۱۳۷۶: ۱۸۷؛ مابری، ۱۳۶۹: ۱۵۷) و در ظاهر به اشغال نظامی بوشهر خاتمه دادند هرچند که آنها نیروهای نظامی خود را در منطقه نگه داشتند.

تصرف بوشهر در سال ۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۵م. و قتل رئیس‌علی دلواری و مبارزه با مردم دشتستان و تنگستان تأثیر عمده‌ای در نگرش ضد انگلیسی و رواج انزجار عمومی از سیاست‌ها و اتباع آن در جنوب ایران داشت. علاوه بر احساسات ضد انگلیسی عوامل دیگری نیز برای شورش‌ها و مخالفت‌ها فراهم بود؛ عواملی مثل قحطی، گرانی و کمبود ارزاق، تضاد میان فرمانفرما والی فارس و صولت‌الدوله و نفوذ برخی از آلمانی‌ها مثل واسموس که همچنان میان عشایر جنوب فعالیت داشت و به آنها نوید فتح می‌داد. به ویژه که در بهار ۱۳۳۶ق. / ۱۹۱۸م.، جنگ در جبهه غربی به نفع دولت‌های مرکزی در جریان بود (مابری، ۱۳۶۹: ۳۷۶)

مقاومت‌های مردم و سران قبایل باعث شد تا انگلیس نیرویی با عنوان تفنگ‌داران پلیس جنوب^۱ را در سال ۱۳۳۴ق. / ۱۹۱۶م. به فرماندهی سرپرسی سایکس تشکیل دهد.

^۱ S.P.R (اس. پی. آر) نام اختصاری South Persia Rifles، که ایرانیها آن را «سپیار» تلفظ می‌کردند.

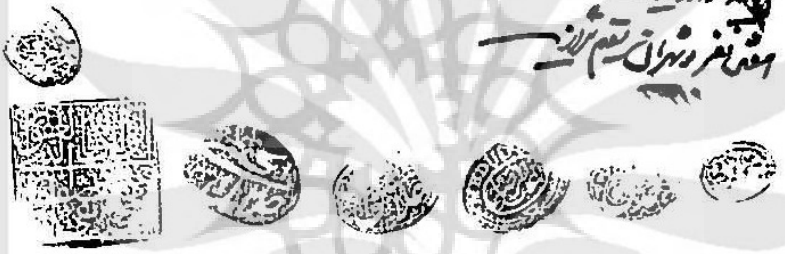
نیروهای محلی صفحات جنوبی کشور مثل اسماعیل‌خان صولت‌الدوله قشقایی، ناصردیوان کازرونی، زایر خضرخان اهرمی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، غضنفر السلطنه برازجانی، و برخی از خوانین بلوچستان، درگیریهایی زیادی را با تفنگ‌داران پلیس جنوب داشتند که در برخی از آنها شکست خوردند و در برخی نیز موفقیت‌هایی به دست آوردند.

موقعیت برتر ایران در طول جنگ باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های درگیر در جنگ مثل روسیه، انگلیس، آلمان و عثمانی واقع شود. در نهایت این انگلیس و روسیه بود که توانست از این موقعیت بهترین استفاده را برده و نیروهای رقیب را نه تنها در ایران بلکه در طول جنگ شکست دهند.

در مورد حوادث سال‌های جنگ جهانی اول اسنادی که برجای مانده است ما را در بازسازی و تحلیل بهتر وقایع یاری می‌رسانند. لذا در ادامه این مقاله چند سند موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی مربوط به وقایع این سال‌ها و مرتبط با حوادث بوشهر آورده می‌شود.



ناگزوده و گردن آویخته در مشعر نبویه و در کسب و اجکامات دولت جلیه رفته اندم جوتی ن شیه
 موقراندله حکم قانون اورا تکیف نامہ نیت بجز خود فو دلہ درے اشائے فکر جو انہم شرح حدیث و علم
 سر عامه مشرفا اولہ وضع بدہم کہیے نامہ است دگر دولت است موعظہ بیجانہ نای بار بر سر سر
 نفعہ صدمہ بائیے فکر نہ ہذا زمانہ و با طرف و ان ف عام پانف بدہم نشیہ لکھنوی نایہ و
 تبعہ شدگان و مدد طلبہ بیانیے حال و کھاب آہنا را لغز نہ لکہ حکمرانی عالی در زمانہ
 و زون بودہ دگر جناب موقراندله شمع کانی و حکمرانی عادلہ است بر بدہم با بر کجاست
 محمد بن ہر نہ نوزہ کہ عزت ن ببارک استیم حکومت عادلہ است بدہم و خود را بر بدہم
 فی کلمہ در زمرات موقراندله رحمت و کرم و با کمال زانہ شمع و کرم و خود استیم
 موقراندله شمع کانی





وزارت داخله

اداره
تبریز

شماره ۱۳۳

موضوع
شعبه
رشد عهدهات
مدرسه
دوره اول
توزیع کلیه کتب
پروانه
تبریز

متمم کتب و غیره است. لایحه اولی که در تاریخ چهارم فروردین ماه
تکمیل گشته و در تاریخ دوازدهم فروردین ماه در دسترس
گردد که نام هر یک را در پیوسته نامه
لایحه اولی که در تاریخ چهارم فروردین ماه در دسترس
گردد این لایحه است چنانچه کتب از کتابخانه بیرون
دهند و در صورتی که در دسترس نباشد. از طرف رییس اداره
واریست در این تاریخ تا فروردین ماه بیرون
از دروازه نرسیده است. از طرف رییس اداره کتابخانه
مطهر را به اطلاع رسانید و در صورتی که کتب
در کتابخانه موجود باشد و در دسترس نباشد
نظر به آنکه کتب در دسترس نیستند و در دسترس
گرفته است و در صورتی که در دسترس
نباشد در این تاریخ که این امر بدین
تبریز

این کتابخانه در تاریخ چهارم فروردین ماه
در دسترس نباشد و در این تاریخ
که در تاریخ چهارم فروردین ماه
که در تاریخ چهارم فروردین ماه
تجدید گردید و در این تاریخ
در تاریخ چهارم فروردین ماه
در تاریخ چهارم فروردین ماه
در تاریخ چهارم فروردین ماه
در تاریخ چهارم فروردین ماه
در تاریخ چهارم فروردین ماه
در تاریخ چهارم فروردین ماه

سواد تلگرافی رئیسی ژاندارمری فارس در اعتراض مستشاران سوئدی ژاندارمری به اقدامات مأمورین قشون انگلیسی در نقض بی طرفی ایران - ۱۳۳۳ق.



وزارت داخله

سواد گرانگه گهر شه زور قوت بنادر
مورخه ۱۴ رضان ۱۳۳۳
نمبر ۵-۵

ستادین وزارت چلیم و کله امروز صبح کله چهار سنج لعلدر داروشه سنج اوله
کننده کله کله زور قوت داره نادر شه بهت کوننده قوتون داره
نظر ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
بهره ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
کوننده قوتون نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
بهره ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه



وزارت داخله

سواد گرانگه گهر شه زور قوت بنادر
مورخه ۱۴ رضان ۱۳۳۳
نمبر ۵-۵

ستادین وزارت چلیم و کله امروز صبح کله چهار سنج لعلدر داروشه سنج اوله
کننده کله کله زور قوت داره نادر شه بهت کوننده قوتون داره
نظر ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
بهره ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
کوننده قوتون نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه
بهره ادر بیا که کله چهار نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه نادر شه

۱-۴

گزارش ورود قشون انگلیس به بنادر جنوب و تعداد آنها - ۱۴ رضان ۱۳۳۳ ق.

نمبره ۱۱
نمبره کتاب ۱۸۱
اداره نگارخانه دولت علیه ایران
سال ۱۳۳۳

| | | | | |
|------------|------------|---------|-------------------|---------|
| تاریخ وصول | نام گیرنده | توضیحات | ملاحظات تاریخ اصل | توضیحات |
| ۱۳۳۳ | سکالپور | ۱۱ | ۱۳۰ | ۲۲ |

تصمیم وزارت معارف در امر ترمیم و تعمیر مدرسه در شهر اهواز
در شهر اهواز که در روز اولی این کتب و طبع و غیره
از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در شهر اهواز که در روز اولی این کتب و طبع و غیره
از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

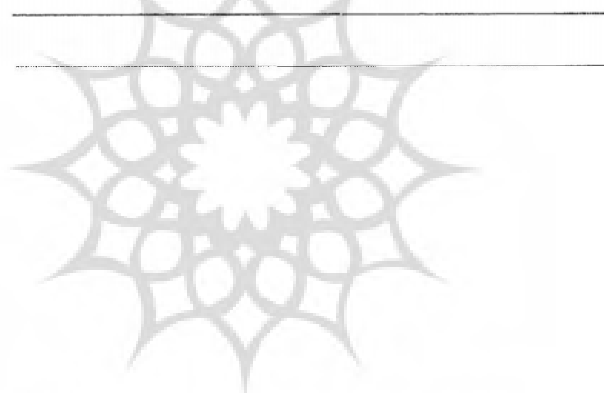
نمبره ۱۱
نمبره کتاب ۱۸۱
اداره نگارخانه دولت علیه ایران
سال ۱۳۳۳

| | | | | |
|------------|------------|---------|-------------------|---------|
| تاریخ وصول | نام گیرنده | توضیحات | ملاحظات تاریخ اصل | توضیحات |
| ۱۳۳۳ | سکالپور | ۱۱ | ۱۳۰ | ۲۲ |

تصمیم وزارت معارف در امر ترمیم و تعمیر مدرسه در شهر اهواز
در شهر اهواز که در روز اولی این کتب و طبع و غیره
از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
در شهر اهواز که در روز اولی این کتب و طبع و غیره
از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

| | | | | | |
|------------|---------|-----------------------------------|-------------|------------|-------------|
| نمبره کتاب | | ادارهٔ کتابخانهٔ دولتی علیه ایران | | نمبره نسخه | |
| ۱۳۳۳ | سنه | تاریخ وصول | تاریخ ارسال | نمبره قبض | نمبره تکثیر |
| ۱۳۳۳ | ۱۳۳۳ | ۱۳۳۳ | ۱۳۳۳ | ۲۲ | ۲۲ |
| اسم گیرنده | توضیحات | تاریخ ارسال | توضیحات | نمبره قبض | نمبره تکثیر |
| ملازم | | | | | |

طراز اسنادی طرز خطی کتب طرز خطی کتب
 در این کتاب از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 این کتاب در تاریخ ۱۳۳۳ در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 طراز اسنادی کتب خطی کتب خطی کتب خطی کتب خطی
 و با خط کوفی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Schiras, le 8 Aout 1915

Traduction

Colonel Edwall

Zoherea

Urgent

Selon rapport les Français ont occupé Bouchir et prit dans leurs mains toutes les Administrations atep On a donné un ultimatum aux postes de la Gendarmerie et les ont forcé de vider deux postes. Je ne sais pas quelles postes mais probablement Bouchir et Maghna. Le Consul Anglais n'a communiqué ça.

(S) Oer-te-grea



شیراز ۸ اوت ۱۹۱۵

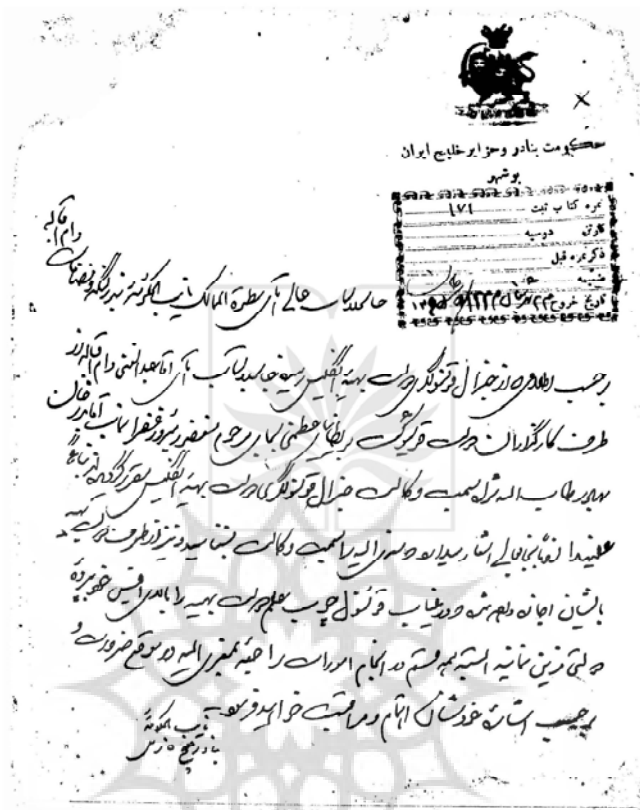
رفیق - عزیز

محمد احسان طهرانی

اندر این نامه
مستحق

شیراز کاغذی در سال ۱۳۱۴ و مطالبات فرستاد
سازمان پست ایران که دستور آنست که تمام ادارات سازمان پست محو شوند. پست سازمانی را از بین بردند که
دانشگاه بجزر نموده پست سازمانی را از بین بردند. هیچ کس از پست سازمانی خبر ندارد. پست سازمانی بنام دولت است
این تقاضا بنام پست سازمانی است. پست سازمانی

۱۰۹



لزوم به رسمیت شناختن نماینده کنسولگری انگلیس در بندر لنگه - ۱۳۳۴ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی



وزارت امور خارجه
اداره
سواد
مورخه
نمره

کرده ام بهر شهر است حد پدید در دست است از ده انگلیس در دانشگاه که از بنده بود با ترتیب راجع به مدارک انگلیس
و اینک راجع به شغل و به دفتر ادبی و در است در حد که بی شکلی طبق عادت ناشی از خیالی و توکل و در دست و در دست
انگلیس و خواننده با یک حد به سپردن از نظر ارتقا با با خود دست کرده و به شنبه اگر پیشرفت کرده بود به این دلیل که در این
و اتباع انگلیس در این شهر میگردند این چند نفر بود پس در هنگامه عده را در این امر به جهت ترس بهیم قرار گرفته و در دست است
از راه افزوده اگر بسته اند که در خیالی و توکل میگردم به صورت پیدا میگرد و اگر معصومانه بر راه در دست است و تمام مدارک
این حکایت کی گفته و در در بنده را بدون هیچ تقصیر بود و در کار خدمت تصادف شکسته قرار میبندد در این حال که انگلیس
پیدا میگرد در حوادث روز ۱۰۴ مورخه ۲۵ مهر کردیم و در دست شده بود از راه در و کس ترس میگردند و در این حال که در
بهوم و انگلیس که در طاق عرش و ملک را انگلیس از استیفاء حفاظت میگردند و میگردند به جهت ترس از دست بردار
میگردند که در برآورد این راهها را معصوم و اتباع انگلیس از دست میگردند تا آن امرن دارد و در دست خود را بر معصوم میگرد
از راه در این شهر به ترتیب از این عطف خود در ترتیب بار بار بنده دارد که با چه هم به ترتیب خود میگردند
کتابت میگردند در هر روز و مکانی در راجع خود میگردند در این دست خود در این دست خود میگردند و در این دست خود میگردند

اطلاع عموم بطبع رسانیده و شتر سازیم
را در اطلاع عموم

۱۰۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هجوم دشتستانی ها به اتباع انگلیس به تحریک واسموس، لزوم تجهیز قوا
جهت حفظ امنیت در منطقه (بوشهر)

منابع:

- رکن زاده آدمیت، محمد حسین، (۱۳۷۰)، **دلیران تنگستانی**، چاپ نهم، تهران، اقبال.
- سپهر، احمد علی (مورخ الدوله)، (۱۳۶۲)، **ایران در جنگ بزرگ ۱۸-۱۹۱۴**، چاپ دوم، تهران، ادیب.
- فراشبندی، علیمراد، (۱۳۶۵)، **جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کاکس، سرپرسی، (۱۳۷۷)، **گزارش‌های سالانه بوشهر**، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، تهران، انتشارات پروین.
- مابری، جیمز، (۱۳۶۹)، **عملیات در ایران**، به کوشش کاوه بیات، تهران، رسا.
- مشایخی، عبدالکریم، (۱۳۸۶)، **خلیج فارس و بوشهر: روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سالهای ۱۳۳۹ق-۱۳۰۸ق/۱۹۲۰-۱۸۹۰**، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
- وادالا، ر.، **خلیج فارس در عصر استعمار**، (۱۳۵۶)، شفیع جواد، تهران، سحاب.
- هدایت، مهدی قلی خان (مخبرالسلطنه)، (۱۳۶۱)، **خاطرات و خطرات**، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی زوار.
- یاحسینی، سید قاسم، (۱۳۷۶)، **رئیس علی دلواری**، تهران، نشر شیرازه.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز